

علوی

طرز نیمه

فراترولایی بوده است که تصمیم می‌گیرد با لباس معمولی به شهرهای مختلف سفر کند و از حال مردم باخبر شود. در این مسیر در دهی پیرمردی را می‌بیند که گرچه عمرش رو به پایان است دانه‌ی گردو می‌کارد تا آیندگان از ثمره‌ی این درخت استفاده کنند.

بخوان و بدان

برنا کنش را بست و به سرگذشت قهرمان داستان فکر کرد. خودش را به جای او گذاشت و از سرسیزی جنگلی که قهرمان در آن زندگی می‌کرد، در خیالش لذت برد. دلش پر از شادی و شعل شد. حس کرد که به اندازه‌ی او شجاع و سرحال و قوی است. بلند شد و از روی چالپاسی، روسری مادر را برداشت و مانند سریند قهرمان داستان، به سرش بست و خط کش خود را به جای شمشیر در هوا تکان داد و با دشمن فرضی شروع به جنگیدن کرد.

درنا که از حرکات برادرش تعجب کرده بود، او را صدا زد و گفت: سرزد، گرفتارم! چقدر سر و صدا می‌کسی؟ بزنا خندید و سریند، را از سرش بازکرد.

همان طوری که در متن بالا می‌بینید از ترکیب کلمات با «سر»، کلمه‌ی جدیدی ساخته می‌شود که معنایی کاملاً متفاوت دارند.

سریند ← سر + بند سردرد ← سر + درد

برای کارهایی که هنوز انجام نشده است و قرار است انجام شود، از زمان آینده، استفاده می‌کنیم.

کلماتی مانند (فر دا، پس فردا، سال بعد، چند دقیقه‌ی دیگر و ...) زمان آینده را نشان می‌دهند. فعل زمان آینده (خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید) دارد.

به کلماتی که در آخر جمله می‌آیند و جمله را کامل می‌کنند، فعل، می‌گویند.

نکته



کاز نیکه ➔ درس هفتم

املا دان

عزیز دل متن زیر را به دقت بخوان سپس ضرب‌المثل مربوط به این درس را به همراه ۵ ضرب‌المثل جالب دیگر از داستان‌های قدیمی ایرانی پیدا کن و بنویس. در آخر از یکی از نزدیکانت بخواه که نوشته‌ی زیر را به شما املا بگوید.

در یک شعر داستانی که از نویسندگانی بزرگ ایرانی می‌باشد درباره‌ی فرمانروایی صحبت شده که با لباس ناشناس، به شهرها و روستاها سفر می‌کرد و مشکلات مردم را بررسی می‌کرد. در یکی از این سفرها فرمانروا پیرمردی را دید که عمر او ز نود گذشته بود هنوز در حال کاشتن دانه‌ی جوز در گودال بود. فرمانروا به او گفت: «تو که پایت لب گور است، چرا هنوز کشاورزی می‌کنی؟ درخت گردو ۱۰ سال طول می‌کشد که به بار آید، پیرمرد با جوابش درس بزرگی به فرمانروا داد و فرمانروا فهمید چرا روستای پیرمرد این قدر سرسبز و با صفاست. او گفت:

دیگران کاشتنند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند

فرمانروا با خود فکر کرد پیرمرد بسیار دانا و مهربان است و فقط به فکر خودش نیست و به او پاداش داد.

املا دان

عزیز دل متن زیر را به دقت بخوان سپس ضرب‌المثل مربوط به این درس را به همراه ۵ ضرب‌المثل جالب دیگر از داستان‌های قدیمی ایرانی پیدا کن و بنویس. در آخر از یکی از نزدیکانت بخواه که نوشته‌ی زیر را به شما املا بگوید.

در یک شهر داستانی که از نوسنده‌ی بزرگ ایرانی می‌باشد درباره‌ی فرمانروایی صحبت شده که با لباس ناشناس، به شهرها و روستاها سفر می‌کرد و مشکلات مردم را بررسی می‌کرد. در یکی از این سفرها فرمانروا پیرمردی را دید که عمر او ز نود گذشته بود هنوز در حال کاشتن دانه‌ی جوز در گودال بود. فرمانروا به او گفت: «تو که بایست لب گور است، چرا هنوز کشاورزی می‌کنی؟ درخت گردو ۱۰ سال طول می‌کشد که به بار آید. پیرمرد با جوابش درس بزرگی به فرمانروا داد و فرمانروا فهمید چرا روستای پیرمرد این قدر سرسبز و با صفاست. او گفت:

دیگران کاشتنند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند

فرمانروا با خود فکر کرد پیرمرد بسیار دانا و مهربان است و فقط به فکر خودش نیست و به او پاداش داد.

املا دان

عزیز دل متن زیر را به دقت بخوان سپس ضرب‌المثل مربوط به این درس را به همراه ۵ ضرب‌المثل جالب دیگر از داستان‌های قدیمی ایرانی پیدا کن و بنویس. در آخر از یکی از نزدیکانت بخواه که نوشته‌ی زیر را به شما املا بگوید.

در یک شهر داستانی که از نوسننده‌ی بزرگ ایرانی می‌باشد درباره‌ی فرمانروایی صحبت شده که با لباس ناشناس، به شهرها و روستاها سفر می‌کرد و مشکلات مردم را بررسی می‌کرد. در یکی از این سفرها فرمانروا پیرمردی را دید که عمر او ز نود گذشته بود هنوز در حال کاشتن دانه‌ی جوز در گودال بود. فرمانروا به او گفت: «تو که پایت لب گور است، چرا هنوز کشاورزی می‌کنی؟ درخت گردو ۱۰ سال طول می‌کشد که به بار آید.» پیرمرد با جوابش درس بزرگی به فرمانروا داد و فرمانروا فهمید چرا روستای پیرمرد این قدر سرسبز و با صفاست. او گفت:

دیگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند

فرمانروا با خود فکر کرد پیرمرد بسیار دانا و مهربان است و فقط به فکر خودش نیست و به او پاداش داد.

دیگران کاشتند و ما خوردیم

ما بکاریم و دیگران بخورند

۱- آب درهاون کوبیدن

۲- جوجه رو آخر پاییز می‌شمرن

۳- دیوار موش داره موش هم گوش داره

۴- نخود تو دهنش خیس نمی خوره

۵- با دم شیر بازی کردن



تمرین

۱ کلماتی را که حروف مشترک دارند، به هم وصل کن. (یک کلمه اضافی است.)

شدید	راضی
سرعت	حاضر
لذت	تسرع
رضایت	لذیذ
حضور	

تمرین



۱ کلماتی را که حروف مشترک دارند، به هم وصل کن. (یک کلمه اضافی است.)

